

عالمی برجسته از دیار ترکمن صحرا؛

# استاد کریم بردی آخوند احمدی

## ◀ حماد احمدی

خریده و مدت دو سال از محضر این عالم ربانی مستفید می شوند. بعد از گذشت این مدت خبر می رسد که استاد عبدالوهاب آخوند داغستانی - رحمه الله - به ایران بازگشته و مدرسه دینی شان را در روستای کورلر کلاله بازگشایی کرده اند. استاد عبدالوهاب آخوند شاگرد استاد عبدالقادر آخوند داغستانی و هر دوی آنان از علمای برجسته داغستان - در روسیه کنونی - بودند که پس از تسلط روسهای ملحد و کمونیست بر آن دیار، برای حفظ دین، به ترکمن صحرای ایران هجرت کردند. استاد عبدالقادر آخوند و استاد عبدالوهاب آخوند از شخصیت های علمی و تاثیرگذار در ترکمن صحرا بودند و بسیاری از شخصیت های علمی ترکمن صحرا از شاگردان این دو استاد به شمار می آیند. سیاست های ضد دینی رضاخان در ایران باعث می شود تا استاد عبدالوهاب آخوند بار دیگر هجرت کند و این بار عراق را برای اقامت انتخاب کند و چند سالی در آنجا اقامت گزیند. پس از سرنگونی رضاخان و بهبود اوضاع در ایران دوباره به ایران باز می گردد و در همان روستای کورلر مدرسه دینی خود را بازگشایی می نماید. وقتی کریم بردی از بازگشت استاد عبدالوهاب باخبر می شود، تصمیم می گیرد برای ادامه تحصیلات خود نزد این استاد بزرگوار برود. بنابراین با کسب اجازه از محضر استاد قربان آخوند راهی کورلر در سی کیلومتری کلاله می شود. پنج سال تحصیل در کورلر (از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶ هـ.ش.) در محضر این استاد بزرگ از پربارترین دوران تحصیل استاد کریم بردی آخوند به شمار می آید که با تلاش های مخلصانه و مستمر خود می تواند بیشترین استفاده را از علم سرشار استاد عبدالوهاب آخوند ببرد و بیش از سایر شاگردان توجه و اعتماد استاد را به خود جلب نماید. سرانجام در سال ۱۳۲۶ هـ.ش. تحت اشراف استاد عبدالوهاب آخوند، تحصیلات علوم دینی مرسوم در مدارس دینی ترکمن صحرا را به پایان رسانده و به درجه «آخوندی» نایل می آید.

## فعالیت های دینی

دسترسی یک جامعه به معارف دینی و وجود علمایی که این علوم و معارف را در جامعه گسترش دهند، پایه های اصلی شکل گیری

استاد کریم بردی آخوند احمدی فرزند محی الدین فرزند امام الدین فرزند ارتق محمد، در سال ۱۳۰۳ هـ.ش. برابر با ۱۳۴۳ هـ.ق. در خانواده ای مؤمن و متدین و اهل علم و تقوی در ترکمن صحرای ایران دیده به جهان گشود. پدر و اجداد ایشان همگی نسل اندر نسل اهل علم و فضیلت بوده و به همین سبب همیشه مورد احترام و اعتماد مردم دیار خود بوده اند. تربیت اسلامی استاد از همان سالهای اولیه کودکی آغاز گردید. پدر بزرگوارشان هم در منزل و هم در مکتبی که برای تعلیم کودکان روستا دایر کرده بود، به کریم بردی، قرآن و احکام می آموخت.

اخلاص پدر و هوش سرشار کودک باعث شد وی خیلی زودتر از هم سن و سالان خود روخوانی قرآن کریم را تمام کند و مختصری از عقاید و احکام اسلامی را که در مکتب تدریس می شد، فرا بگیرد. پدر که متوجه استعداد خدادادی فرزند خود شده بود، تصمیم گرفت او را جهت تحصیل علوم دینی به نزد علمای سرشناس ترکمن صحرا بفرستد. اما در آن زمان در ترکمن صحرا و بخصوص در منطقه کلاله تعداد این علما اندک بود. وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه و به تبع آن حمله و اشغال بلاد آسیای میانه از جمله بخارا و خیوه که از مراکز علمی جهان اسلام بودند، باعث هجرت تعدادی از علمای آن دیار به ترکمن صحرای ایران گردید. «غایب آخوند» و «بگ مراد ایشان» از این علمای مهاجر بودند که به ایران آمدند و در ترکمن صحرا در روستای «دهنه» در پنج کیلومتری کلاله سکنی گزیدند. استاد حدوداً چهار سال از این دو عالم مهاجر دروس مقدماتی صرف و نحو و فقه را فرا گرفتند. سپس به پیشنهاد این اساتید جهت ادامه تحصیل به روستای «کله پست» در نزدیکی بخش گمیشان فعلی، عزیمت نمودند. این روستا حدود دویست کیلومتر با کلاله فاصله داشت. در آن زمان وسایل نقلیه کنونی وجود نداشت و از اسب و الاغ برای رفت و آمد استفاده می شد و امنیت لازم هم برقرار نبود. اما رحلت و سفر در راه کسب علم و تحمل همه مشقت ها و سختی های آن، نقطه مشترک سیره همه بزرگان علم و معرفت در طول تاریخ بوده است. استاد جهت تلمذ در محضر «قربان آخوند اراده ای» همه این رنجها و مشقت ها را به جان

اعتقاد صحیح در بین آحاد جامعه را تشکیل می دهد. دغدغه اصلی استاد پس از فراغت از تحصیل این بود که چگونه به اصلاح و بهبود اوضاع دینی و اعتقادی مردم پردازد. اولین اقدام عملی ایشان در این راه، تأسیس مدرسه دینی احمدیه قوجمز بود. این مدرسه در سال ۱۳۲۶ ه.ش. تأسیس شد و هدف از تأسیس آن تربیت علما و طلاب از میان فرزندان مردم بود تا بدین وسیله تعلیمات صحیح دینی در میان آحاد جامعه گسترش یابد.

استاد در آن زمان بیست و سه سال سن داشت، لذا با شور و نشاط فراوان به تنهایی همه دروسهای مدرسه را تدریس می کرد. سالیان دراز کلاسهای درس وی بعد از نماز صبح آغاز و تا بعد از نماز عشا ادامه پیدا می کرد. سرانجام مدرسه ایشان به یکی از معتبرترین مدارس دینی ترکمن صحرا تبدیل شد و تعداد طلبه های آن همواره بر افزایش می یافت. از آن زمان تاکنون صدها و بلکه هزاران نوجوان و جوان از نقاط مختلف ترکمن صحرا بخصوص از کلاله و حومه، علوم اسلامی به ویژه تفسیر، حدیث و فقه... را در این مدرسه فراگرفتند و هر یک نقش مهمی را در آگاهی بخشی از مردم منطقه ایفا نمودند.

دومین اقدام بسیار مهم استاد آغاز اقامه نماز جمعه و عیدین در شهر کلاله در سال ۱۳۳۶ بود. خطبه های روشنگرانه، وعظ و نصیحت های خیرخواهانه استاد نقش بسیار مؤثری در اصلاح باورها و بالا رفتن سطح آگاهی مردم داشت. ایشان در سخنرانی هایشان به آیات قرآن و احادیث صحیح استناد می کرد و از ذکر سخنان و قصه های بی اساس اجتناب می ورزید. موضوع غالب سخنرانیهای ایشان دعوت به تدبر در آیات قرآن بود. ایشان تنها راه رستگاری مردم را رجوع به قرآن و آشنایی با مفاهیم و عمل به دستورات نجات بخش آن می دانست. سخنان خیرخواهانه استاد بر دل مردم می نشست و بی اختیار اشک هایشان جاری می گشت و با تمام وجود به سخنان ایشان گوش فرا می دادند. بدون شک خطبه های نمازهای جمعه و عیدین و سایر سخنرانی های استاد در مناسبت های دیگر، نقش غیر قابل انکاری در اصلاح اعتقادات و باورهای دینی مردم و گسترش فرهنگ اسلامی در سطح جامعه داشت.

از فعالیتهای استاد کریم بردی آخوند مبارزه با بدعت ها و خرافات بود. ایشان با استناد به آیات قرآن، احادیث صحیح و اقوال علما و مجتهدین امت، مردم را با اعتقاد صحیح اسلامی آشنا و از خرافات و بدعت ها برحذر می داشت. در نتیجه روشنگری ها ایشان و دیگر علمای منطقه، مردم با عقیده صحیح اسلامی بیشتر آشنا شدند و به دوری از مظاهر بدعت ها و خرافات روی آوردند.

یکی دیگر از برنامه ها و فعالیتهای استاد تدریس دوره کامل تفسیر قرآن در برنامه درسی مدرسه احمدیه بود که نقش

تأثیرگذاری در تربیت طلاب و علمای جوان داشت. اکنون در اکثر مساجد شهرستان کلاله و روستاهای اطراف شاگردان استاد کلاسهای تفسیر قرآن برای عموم مردم دایر کرده اند که این کلاسها سهم بسیار بزرگی در آشنایی عموم مردم بخصوص نوجوانان، جوانان، دانش آموزان و دانشجویان با قرآن دارد. در آن زمان تعداد مدارس دینی در سطح منطقه انگشت شمار بود. پس از تأسیس مدرسه احمدیه، شاگردان فارغ التحصیل این مدرسه به تأسیس مدارس دینی در شهر و روستاها اقدام نمودند. بحمدالله اکنون شعبه های متعدد مدرسه احمدیه در شهرها و روستاهای منطقه در حال فعالیت اند و صدها طلبه جوان در این مدارس به فراگیری علوم اسلامی مشغول هستند.

یکی از ثمرات فعالیت های ۶۰ ساله استاد کریم بردی آخوند تربیت علما، مدرسان، واعظان، قاریان و حافظان قرآن کریم است. چنانکه دهها عالم برجسته، مدرس ماهر، واعظ و سخنران مخلص و تأثیرگذار، قاریان و حافظ خوش صوت و با تقوا در طی این سالها در این مدرسه تربیت شدند که هر کدام در حوزه فعالیت هایشان منشأ خدمات بزرگ و مفیدی گردیده اند.

استاد در طی این مدت طولانی آنچه در توان داشت با اخلاص و ایمان در جهت خدمت به دین خدا و رسیدن به رضای الهی انجام داد و بحمدالله توفیقات زیادی نیز به دست آورد. اکنون بر شاگردان ایشان است که با الگوبرداری از ایشان، با جدیت و تلاش مضاعف وظیفه خود را در تربیت صحیح اسلامی نونهالان، نوجوانان، جوانان و همه افراد امت اسلامی به نحو احسن انجام دهند.

### صفات اخلاقی و ویژگیهای علمی

از صفات اخلاقی بارز ایشان، تقوا و ترس از خدا بود. علاوه بر انجام اوامر و ترک محرمات از شبهات نیز دوری می کرد. سخاوتمند و کریم بود. نیازمندان و محتاجان را دلجویی و به آنان کمک می کرد. به طور مداوم در ساعاتی مشخص از روز، به ذکر و تسبیح خدا می پرداخت و قرآن می خواند. زرق و برق دنیا در نزد وی اهمیتی نداشت. کمتر در مجلس خود درباره مسائل عادی و دنیوی صحبت می کرد. حاضرین همیشه از مجالس ایشان بهره های علمی و دینی و اخروی می بردند. خداوند عظمت و هیبت خاصی به ایشان عطا کرده بود. وقتی وارد مجلسی می شد، سکوت بر آن حاکم می گشت. صبر، ثبات و استقامت در راه دین و علم یکی دیگر از خصوصیت های بارز ایشان بود. در طول عمر پربرکت شان هیچ هم و غمی جز تعلیم و تعلم و خیرخواهی نسبت به خلق خدا نداشت. قلب ایشان آکنده از محبت الله، رسول، اهل بیت و صحابه آن حضرت صلی الله علیه وآله و صحبه بود. علما و مجتهدین امت اسلامی بخصوص ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت را به

نیکی یاد می‌کرد، و اگر از کتابی که در آن انتقاداتی به بعضی از ائمهٔ اربعه وارد شده بود، اطلاع می‌یافت، برافروخته می‌شد و می‌گفت: اینها جوانان تازه به دوران رسیده‌ای هستند که علمشان در آن سطحی نیست که بتوانند آن ائمهٔ بزرگوار را نقد کنند. با اینکه صوفی - به معنی اصطلاحی آن - نبود، اما از مشایخ و بزرگان تصوف و عرفان به نیکی یاد می‌کرد. کتابهای بزرگان تصوف از جمله امام عبدالقادر جیلانی و امام محمد غزالی را مطالعه می‌نمود. ایشان تصوف را در چهارچوب کتاب و سنت قبول داشت، اما تصوف آمیخته با بدعات و انحرافات عقیدتی و عملی را رد می‌کرد. به مطالعه کتاب‌های امام ربانی [مجدد الف ثانی شیخ احمد سرهندی] و شاه ولی‌الله محدث دهلوی و امام سید ابوالحسن ندوی - رحمهم الله - علاقه شدیدی داشت. در سفر حج سال ۱۳۵۲، با علامه ندوی ملاقات کرد و از آن تاریخ به بعد مجله البعث الاسلامی ندوة العلمای هند مرتب برای ایشان ارسال می‌گشت.

به کتابهای علمای معاصر از جمله دکتر یوسف قرضاوی و شیخ محمد غزالی مصری و دکتر وهبة الزحیلی و دکتر محمدعلی صابونی علاقه نشان می‌داد و جدیدترین کتابهای آنان را تهیه و مطالعه می‌کرد.

هر سال که زمان برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران فرا می‌رسید، قلباً مشتاق بود در این نمایشگاه حضور یابد اما بیماری، ضعف و بعد مسافت اجازه نمی‌داد. هر ساله تعدادی از فرزندان خود را با لیستی از جدیدترین کتابها به تهران می‌فرستاد و به آنها سفارش می‌کرد از هر غرفه‌ای که بازدید می‌کنند، حتماً لیست کاملی از کتابهای آن تهیه کنند. سپس با حوصله تمام به مطالعه آن لیست‌ها می‌پرداخت و کتابهای جدید را از آنها انتخاب می‌کرد و در برنامه خرید سال بعد قرار می‌داد.

در زمینه تفسیر قرآن، بر همه تفاسیر جدید و قدیم تسلط داشت. هر کتابی در موضوع تفسیر ذکر می‌شد، بلافاصله ویژگیها و نقاط قوت و ضعف آن را بیان می‌نمود. در سالهای اخیر علاقه زیادی به تفاسیر جدید یک جلدی نشان می‌داد و چندین نمونه از این تفاسیر را جمع‌آوری نموده بود که در میان آنها «التفسیر الوجیز» دکتر وهبة الزحیلی را بیشتر می‌پسندید. بیشتر اوقات به تدریس در مدرسه مشغول بود و به همین علت فرصتی برای تألیف نیافت. در سالهای آخر عمرشان آرزوی تألیف تفسیری بر قرآن به زبانهای فارسی و ترکمنی را داشت که متأسفانه بیماری و ضعف این اجازه را به ایشان نداد.

در علم حدیث هم تسلط کافی بر منابع حدیثی بخصوص صحاح سته و شروح مختلف آنها و کتابهای علم رجال و جرح و تعدیل داشت.

در فقه به عنوان یک عالم حنفی تسلط کامل بر فقه حنفی و منابع آن داشت. در بین کتابهای متن فقه حنفی «مختصر القدوری» را بیشتر می‌پسندید و آنرا در مدرسه تدریس

می‌نمود. به فقه سایر مذاهب اسلامی هم آگاه بود. کتابهای «المغنی» ابن قدامه حنبلی و «الاستذکار» ابن عبدالبر از جمله کتابهایی بود که بسیار به آنها مراجعه می‌کرد.

در زمینه اعتقاد و کتابهایی که در حوزه عقیده اسلامی تألیف شده، کتاب «العقیده الطحاویة» و شرح آن را تدریس می‌کرد و می‌گفت: این کتاب موافق با عقیده سلف صالح این امت است. ایشان در سایر علوم اسلامی هم صاحب نظر بود که اگر بخواهیم در هر مورد به شرح آن پردازیم سخن به درازا خواهد کشید. خلاصه اینکه ایشان گنجینه‌ای گرانبها از میراث علمی اسلامی بودند که از دست دادن ایشان ضایعه‌ای بزرگ و جبران‌ناپذیر برای امت اسلامی بخصوص مسلمانان ترکمن صحرا است.

### وفات

یکی از علایم مقبولیت مردان صالح خدا در نزد مردم، احساس فقدان و ناراحتی شدید به هنگام شنیدن خبر وفات آنان و حضور گستردهٔ مردم در نماز جنازه آنان است. سلف صالح کثرت نمازگزاران بر جنازه شخص را نشانهٔ خیریت و مقبولیت وی می‌دانستند. امام احمد بن حنبل - رحمه الله - می‌فرمودند: «قولوا لأهل البدع بیننا و بینکم یوم الجنائز».

بزرگان دینی و خیر خواهان امت اسلامی وقتی از دنیا می‌روند مردم ضایعه از دست دادن آنان را به شدت احساس می‌کنند و به صورت گسترده در نماز جنازه آنان شرکت می‌نمایند. نماز جنازه استاد کریم بردی آخوند احمدی هم چنین حالتی داشت. هزاران مسلمان در جای جای ترکمن صحرا و حتی استانهای همجوار، وقتی صبحگاه جمعه ۲۰ ذی الحجه ۱۴۲۹ هـ.ق. برابر با ۲۹ آذر ۱۳۸۷ هـ.ش. از وفات این عالم ربانی آگاه شدند، با قلبهایی آکنده از غم و اندوه و چشمانی گریان به سوی مصلاهی نماز جمعه اهل سنت شهرستان کلاله روانه شدند و پس از اقامهٔ نماز جمعه بر این عالم ربانی نماز جنازه خوانند. همان نماز جمعه‌ای که خود استاد ۶۱ سال پیش اقامهٔ آنرا آغاز کرد و تا حدود ۹ ماه پیش از وفاتش پیوسته امامت آنرا به عهده داشت.

این هم یکی دیگر از نشانه‌های رحمت خداوندی بود که استاد کریم بردی آخوند همانند استاد بزرگوارشان عبدالوهاب آخوند و شاگرد ارشدشان محمد آخوند نوری زاد در روز جمعه دارفانی را وداع گفتند و مردم مسلمان در بهترین روزها و در ساعات اجابت، بر ایشان نماز جنازه خوانند.

نماز جنازهٔ ایشان با حضور انبوه و بی سابقه مردم اقامه گردید و سپس بر روی دستان مردم مسلمان که بشدت ابراز احساسات می‌کردند به آرامگاهش در روستای قوجمز منتقل و در کنار پدر بزرگوارشان به خاک سپرده شد.

«رحمه الله و جزاه عن الاسلام و المسلمین خیر الجزاء» ■